

درآمدی بر ویرایش دهم

چاپ نخست کتاب جامعه‌شناسی کار و شغل در سال ۱۳۷۵ صورت گرفت و از آن زمان تاکنون پیوسته به زیور طبع آراسته شده و در دسترس دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان قرار گرفته است و خداوند را شاکرم که این پیشگفتار را جهت چاپ دهم کتاب همراه با تجدید نظر و اصلاحات به نگارش در می‌آورم. بدون شک کتاب مانند هر فرآورده دیگر بشری به طور مرتب به بازبینی و تجدید نظر نیاز دارد و بایستی با تغییراتی که در محیط پیرامون و واقعیتهای هر جامعه رخ می‌دهد هماهنگ و هم‌اگر گردد و به اصطلاح به روز شود؛ به خصوص هنگامی که در کتاب با آمار و ارقامی سروکار داریم که به طور طبیعی دستخوش تغییر و تحول می‌شوند، تجدید نظر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

ما در این ویرایش ضمن بازبینی فصول مختلف کتاب و اصلاحات جزئی، توفیق آن را یافتیم که فصل هفتم کتاب را که شامل تحلیلهای کمی از داده‌های وضعیت فعالیت، اشتغال، بیکاری و به طور کلی ساختار جمعیتی ایران می‌باشد با ملحوظ داشتن سرشماریهای جدید و تغییرات رشد جمعیتی، تا حد مقدور به روز کنیم. به ویژه چنانکه می‌دانیم در دهه اخیر (از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) تغییرات قابل ملاحظه‌ای در میزان رشد جمعیت به وجود آمده که کاهش بی‌سابقه برخی از ابعاد آن موجب تحول در ساختار جمعیت فعال و شاغل شده است. علاوه بر اطلاعات این دهه، آمارهای مربوط به سالهای ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به آن افزوده شد و تا آنجا که امکان داشت، داده‌های آماری در دسترس نیز مورد ملاحظه و توجه قرار گرفت و همچنین در پیش‌بینیهای جمعیتی برای ۲۵ سال آینده تجدید نظر کامل به عمل آمده است. به امید آنکه مورد بهره‌برداری بیشتر مطالعه‌کنندگان و پژوهشگران قرار گیرد.

در این تلاش جا دارد از همکاری صادقانه و ارزشمند سرکار خانم دکتر افسانه ادیسی و جناب آقای دکتر حبیب‌الله زنجانی و آقای احسان رحمانی خلیلی که مرا در پژوهشها و تنظیم این تغییرات یاری کرده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم و توفیق همگان را از خداوند خواستار شوم.

بالله التوفیق و علیه التکلان

غلامعباس توسلی

۱۳۸۹

پیشگفتار

نابرده رنج گنج میسر نمی شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

«سعدی»

حیات انسان در جامعه با کار عجین شده است. جانداران دیگر زندگی خود را مدیون مواهب طبیعت و غرایز خویش اند و بدون تفکر و تلاش ویژه و با استفاده مستقیم از مواهب طبیعت زندگی می کنند؛ اما انسان، تنها در دورانی کوتاه از تاریخ در وضعیت صرفاً طبیعی زیسته و به سدّ جوع قناعت کرده است. بشر از همان سپیده دم تاریخ، با به کارگیری هوش و آگاهی و فعالیتهای پیچیده مغزی خویش به ابزارسازی پرداخته و ماده و طبیعت را به خدمت خود در آورده است. او به آنچه مستقیم در دسترس داشته اکتفا نکرده، بلکه همواره در تلاش و تکاپو و جستجو بوده است تا با استفاده از آنچه در دسترس دارد به آنچه در دسترس ندارد اما نیاز به آن را احساس می کند دست یابد و بدین ترتیب کار وی هر روز پیچیده تر شده و از مرحله طبیعی و غریزی بیشتر فاصله گرفته و جنبه «فرهنگی» یافته است. «مصنوعات» و ساخته های دست بشر، هر روز بیش از پیش او را از محیط طبیعی دور، و در تاروپود ساخته های خود وی گرفتار کرده است. از سوی دیگر، زندگی اجتماعی مستلزم همکاری و همیاری و برآوردن نیازهای متقابل است؛ این امر منجر به «تقسیم کار» و توسعه تخصصها و مهارتهای مختلف شده و بر پیشرفت کمی و کیفی کار و آثار و نتایج آن افزوده است و روابط اجتماعی و سازمان یافته او را در قالب نهادها، مؤسسات و واحدهای کم و بیش وسیع و تخصصی گسترش داده است. «کار» انسان نه فقط با تجربه و دانش او در آمیخته، بلکه به صورت یک امر فرهنگی و ارزشی جلوه گر شده است و بدین سان بین اندیشه، کار و روابط

اجتماعی پیوندی ناگسستنی پدید آمده و تمدن و فرهنگ بشری در گرو این سه ویژگی است و این سه عامل از عوامل اساسی و ویژه تاریخ به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، انسان با اندیشه و عمل به پیش می‌رود و هیچ یک از این دو به تنهایی کارساز نیست هر چند گاهی ناسازگار می‌نماید:

کار زی کاردان رود به شتاب همچو «گو» کش گذر به چو گانست
جز به خردمند مفرما عمل گرچه عمل کار خردمند نیست!

جامعه‌شناسی که به تدریج از رویکردهای صرفاً نظری به عرصه کار و عمل پرداخته، در «جامعه‌شناسی کار و مشاغل» زمینه گسترده و باروری یافته است که ساختار روابط اجتماعی را - که در عصر جدید اهمیت ویژه و روزافزونی پیدا کرده است - نشان می‌دهد و بسیاری از نارساییها و ضعفهای حیات فردی و اجتماعی انسان را - که در نبود کار و فعالیت ثمربخش به کژرفتاری و آسیبهای اجتماعی و مشاغل کاذب منجر می‌شود - آشکار می‌سازد. به این ترتیب «جامعه‌شناسی کار و شغل» از دستاوردها و فرآورده‌های عصر صنعت به شمار می‌رود و به ظاهر حاصل تکنولوژی و مسائل ناشی از آن است؛ نباید فراموش کرد که عناصر آن همواره در جامعه وجود داشته و خاصه در هنر و ادبیات و فرهنگ جامعه (اشعار، ضرب‌المثلها، داستانها و قصه‌ها) تجلیات متفاوت و گاه جالبی داشته است و این خود نمودار پیوندهای مرئی و نامرئی فراوانی است که بین کار و فرهنگ جامعه در هر زمان و مکانی وجود دارد. به علاوه آینه‌ها و ایدئولوژیها چه در گذشته و چه در زمان حاضر، نسبت به کوشش و فعالیت انسان عنایت خاصی دارند و ارزش کم و بیش ویژه‌ای برای آن قائل‌اند که گاه صورتهای متناقضی پیدا می‌کند. چنان‌که زمانی کار یدی را جزء «کارهای پست» می‌شمردند و زمان دیگر و در آیین دیگر بالاترین رتبه و ارزش را برای آن قائل‌اند؛ گاهی ارزش کار را بر اساس «سود» و منافع صرف مادی و اقتصادی می‌سنجند و زمانی به عنوان یک «ارزش» حیاتی برای رشد و نوع بشر و نجات و فلاح او می‌شناسند.

کاری که نه کار توسست مسپار راهی که نه راه توسست مسپار

یا:

کاری گزیده باید کردن از آنکه کار گر ناگزیده باشد، نا کرده نیک‌تر

اگر فرهنگ خود را بکاویم و اشعار، ضرب‌المثلها، داستانها و فصول و بخشهای خاص کتبی را که در مسئله اشتغال و کار و فعالیت و موضوعات مربوط به آن مانند بیکاری و تنبلی و کسالت و کاهلی وارد شده است بررسی کنیم، گنجینه پایان‌ناپذیری می‌یابیم که اهمیت و ارزش فرهنگی کار را در آیین و تاریخ ما نشان می‌دهد. از غزالی تا فیض کاشانی و از فردوسی و ناصر خسرو تا مولوی و ابن‌یمین و از سعدی و جامی تا ... همه جا به اشعار و عبارات نغزی برمی‌خوریم که به ایما و اشاره و با تعبیرات بدیع و زیبا انسان را به کار و کوشش و پرهیز از تضييع وقت و کسالت و بیکاری فرامی‌خواند و به تدبیر و تأمل در آثار و نتایج عمل و فعالیت دعوت می‌کند؛ بر رعایت «اخلاق کار»، اجتناب از علم بی‌عمل، لزوم سپردن کار به کاردان (اهمیت مهارت و تخصص...) و کسب تجربه برای کار نیکو کردن تأکید می‌کند و درباره عار نداشتن از کار و به کار گرفتن ابزار و رعایت دقت و تدبیر و تلاش و کوشش در راه معیشت و قبول رنج کار... پندهای نیکویی به ما می‌آموزد.

با توجه به اینکه بنیانگذار علم جامعه‌شناسی، ابن‌خلدون، فصل مبسوطی را به کار و شغل و اقتصاد و معیشت اختصاص داده و در کنار سیاست و اقتصاد و دانش و مذهب و شهرنشینی و سایر قلمروها و نهادهای اجتماعی حرفه و فن را از ارکان «علم عمران» شمرده است، پی می‌بریم که توجه به اهمیت کار و اشتغال و تدبیر در ابعاد و جایگاه آن در تاریخ اندیشه و علم و فرهنگ ما ریشه دارد و بحث درباره این موضوع چیزی نیست که یکباره جامعه صنعتی برای ما به ارمغان آورده باشد.

امروز اگر بخواهیم از بن‌بست عقب‌ماندگی و وابستگی‌های رهایی‌یابیم و نیاز شصت میلیون مصرف‌کننده را با اتکا به خود و حفظ استقلال و حیثیت ملی و دینی خود برآورده سازیم، چاره‌ای جز آن نداریم که تلاشهای خود را مضاعف سازیم و با گسترش دامنه کار و فعالیت علمی و پژوهشی و توسعه اقتصاد ملی و با برنامه‌ریزیهای اساسی و درازمدت راه پیشرفت را برای نسل آینده هموار سازیم. در این میان علوم اجتماعی در شناساندن ابعاد مختلف کار و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و نتایج مثبت و منفی آن و شناساندن مسائلی که کار صنعتی در شکل جدید خود با آن سروکار دارد نقش و اهمیت زیادی دارد.

کتاب حاضر به منظور بحث در این مباحث فراهم شده است؛ در واقع، از حدود سه دهه پیش که درس «جامعه‌شناسی کار و شغل» به پیشنهاد اینجانب وارد برنامه‌ی درسی رشته علوم اجتماعی شد و در برنامه‌های جدید جایگاه خود را یافت همواره در صدد بودم در این زمینه تألیفی مناسب که دانشجویان را از جزوه‌نویسی و پراکنده‌کاری نجات دهد فراهم کنم و امروز خوشحالم که به این فکر - هر چند به طور ناقص - جامه عمل پوشانده‌ام و برای رفع نقایص و تکمیل آن امید به راهنمایی همکاران و دانشجویانم دارم.

کار خلقی را به تدبیر تو باز انداختند

چون تو خود تدبیر کار خود نمی‌دانی چه سود

غلامعباس توسلی